

از گوشه و کنار

پوسیدگی دندان معلولان چند برابر افراد عادی است



پوسیدگی دندان و مشکلات لثه در افراد کم توان از جمله افراد دارای معلولیت‌های جسمی، حرکتی و ذهنی و افراد دارای اوتیسم چند برابر افراد عادی است. عضو هیات علمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران دیروز در سمپوزیوم «دهان و دندان در افراد دارای ناتوانی» که در محل دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی برگزار شد، بیابان این مطلب علت این مساله را به دلیل نوع رژیم غذایی و داروهایی که معلولان مصرف می‌کنند، دانست. علی‌بقالیان افزود: شرایط سلامت دهان و دندان در افراد معلول و کم توان ممکن است مشابه باشد و رویش دندان آنها تحت تاثیر قرار گیرد یا آنکه فک بالا و پایین به هم جفت نشود؛ همچنین بدشکلی و بزرگ و کوچک شدن دندان‌ها از دیگر مشکلات دهان و دندان افراد دارای معلولیت و کم توان است. وی ادامه داد: بی توجهی به سلامت دهان و دندان افراد کم توان ممکن است منجر به عفونت‌های دندان شود که می‌تواند به خطر گسترش عفونت به نواحی صورت و چشم بینجامد و وضعیت حیات بیمار را بغرنج کند.



ذخیره دارویی MPS در حال اتمام است



ساختگی سازمان غذا و دارو با اشاره به تحریم‌های آمریکا علیه داروهای بیمار MPS، گفت: این رفتار غیرانسانی آمریکا به نوعی حیات و زندگی بیمار MPS را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به گزارش ایسنا، دکتر کینوش جهانپور در حساب توییتری خود با اشاره به عدم عرضه داروهای بیمار MPS از سوی شرکت آمریکایی به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان، بیان کرد: قرار بود داروهای بیمار MPS از سوی شرکت آمریکایی تولید کننده این دارو، تأمین شود که به دلایل مختلف، به دنبال تحریم‌ها مستقیماً بیمار ایرانی MPS را به نوعی مورد تحریم قرار داده و این دارو را در اختیار مافار ندادند. او افزود: به طوری که شاید در روزهای آینده عملاً ذخیره دارویی ما در حوزه بیمار MPS صفر شود. در این زمینه پیش از این هم هشدار داده بودیم و وزیر بهداشت هم اخیراً به دبیر کل سازمان بهداشت جهانی نامه زدند و درباره این رفتار غیرانسانی و خلاف موازین بین‌المللی هشدار دادند. جهانپور تأکید کرد: تولید داروی بیمار MPS مبتلا به MPS در انحصار آمریکا بوده و اکنون این دارو مستقیماً از سوی آمریکا تحریم شده است. بنابراین هیچ راهی برای دسترسی به این دارو نداریم. حیات بیمار MPS از سوی ایلات متحده آمریکا هدف گرفته شده است.



تلاش دانشگاه صنعتی امیر کبیر برای آزادی دانشجوی بازداشتی

معاون دانشجویی دانشگاه صنعتی امیر کبیر درباره آزادی علیرضا برداران شرکا دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی هوافضا گفت: این دانشجوی اکنون در کرج بازداشت است. اما بعد از ثبت پرونده و اظهارات به تهران منتقل خواهد شد و ما پیگیر آزادی این دانشجوی هستیم. به گزارش ایلنا، سیلوش خرسندی درباره آخرین وضعیت علیرضا برداران شرکا، بیان کرد: ما به محض اطلاع از این خبر در همان روز پیگیری‌های لازم را انجام دادیم. به دلیل اینکه علیرضا برداران کرج بازداشت شده است، باید طی یک مرحله تحویل استان تهران داده شود تا مجدداً پیگیری پرونده او شود. خرسندی ادامه داد: مسئولان مربوطه در این زمینه به ما قول مساعدت دادند که نسبت به آزادی وی اقدام کنند. اما اظهارات در کرج تهیه اظهارات اولیه کمی زمان برده و همین امر موجب تأخیر در انتقال آقای برداران به تهران شده است. ما چندین مرتبه در این خصوص مذاکره کردیم و امیدواریم این دانشجوی زودی آزاد شود. معاون دانشجویی دانشگاه صنعتی امیر کبیر در پایان اظهار کرد: به هر حال باید مراحل تهیه پرونده ثبت اظهارات وی در کرج به اتمام برسد تا به تهران منتقل شود. امیدواریم در همین یکی دو روز اخیر آقای برداران به تهران انتقال داده شود تا نسبت به آزادی وی اقدام کنیم.

حدود ۱۰۰ میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض بیابانی شدن قرار دارند

کاری باید کرد!



ریحانه جولایی

خشک‌سالی، موضوعی است که در سال‌های اخیر بارها راجع به آن خواننده، شنیده و دیده ایم. روندی که با سرعت در حال طی شدن است و در برخی مناطق به ویژه مناطق جنوب شرقی کشور باعث کوچ ساکنان و خالی شدن روستاها شده است. با توجه به سرانه مصرف آب، ایران مدت زیادی است که در شرایط «تنش» و بحران آبی قرار دارد. خشک شدن بخشی از دریاچه ارومیه، هامون و هیرمند و نیز برخی تالاب‌های کشور، از جمله پیامدهای منفی این روند است. بیشتر مناطق ایران که کشوری گرم و نیمه‌خشک است، در حال حاضر به خاطر کمبود آب در مرحله تنش آبی قرار دارند. این مرحله هنگامی رخ می‌نماید که به هر نفر در سال ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر مکعب آب برسد. در صورتی که سرانه مصرف در کشوری کمتر از ۱۰۰۰ متر مکعب باشد، وضعیت بحران آبی آغاز می‌شود.

به گفته‌ی کارشناسان محیط‌زیست، تغییرات جوی و بالا رفتن دمای زمین به میزان ۶ درجه سانتی‌گراد در مدت ۲۰ سال، یکی از عوامل خشک شدن برخی از مناطق ایران است. افزون بر این، اعمال سیاست‌های نادرست و ناهماهنگ مدیریت منابع آب در ایران هم در خشک شدن برخی از مناطق کشوری تأثیر نبوده و این امر تاکنون به خشک شدن ۲۹۷ دشت از ۶۰۰ دشت ایران انجامیده است.

با این حال مشکل به اینجا ختم نمی‌شود؛ ایران با سرعت سرسام‌آوری به سوی بیابانی شدن در حرکت است.

یادداشت

مساحت کل منابع طبیعی ایران ۱۳۴.۳ میلیون هکتار است که ۸۲.۳ درصد از مساحت کل کشور را شامل می‌شود. بنابراین مساحت جنگل‌های کشور حدود ۱۴ میلیون هکتار، مراتع ۸۴ میلیون هکتار و بیابان ۳۲ میلیون هکتار محاسبه شده است که کمبود بارندگی‌ها به میزان یک سوم متوسط جهانی بارش‌ها، تبخیر سه برابری و منابع آب نسبت به میانگین جهانی و تغییر کاربری‌ها از معضلاتی است که آب‌و‌خاک کشورمان را تهدید می‌کند. ایران در حالی با معضل محدودیت منابع آبی و فرسایش سه برابری خاک نسبت به سایر کشورهای جهان روبرو است که به اعتقاد کارشناسان حفاظت از خاک، این منبع پایه نگهداشت منابع آبی محسوب می‌شود. فرسایش، فرآیند نابودی تدریجی یک ماده است که فرسودگی و از بین رفتگی مداوم رادری دارد و بر اساس آن، خاک سطح زمین (انتقال یا حرکت آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر) توسط آب یا باد از بستر خود جدا شده و به کمک یک عامل انتقال دهنده به مکانی دیگر منتقل می‌شود.

بر اساس یافته‌های ایستگاه‌های رسوب سنجی، سالانه ۱۶.۷ تن خاک در هر یک هکتار مورد فرسایش قرار می‌گیرد؛ در حالی که متوسط جهانی آن ۲.۵ تن در هکتار است. پدیده بیابانی‌زایی علاوه بر فرسایش بادی ناشی از عواملی همچون تخریب سرزمین، تغییر اقلیم، زمین‌شناسی، پوشش گیاهی، کشاورزی، آب، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی توسعه شهری، فعالیت‌های انسانی، بهره‌برداری‌های ناپایدار است که باعث کاهش توان بیولوژیک خاک در اراضی دیم و مراتع و جنگل‌ها در مناطق خشک و

نیمه خشک، خشک و نیمه مرطوب می‌شود.

۱۰۰ میلیون هکتار در معرض بیابانی شدن

حالا اما خبرها از هشدار جدیدی در محیط‌زیست ایران حکایت می‌کنند. هفته پیش بود که خسرو شهبازی، سرپرست سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، گفت: حدود یک صد میلیون هکتار از اراضی کشور در معرض بیابانی شدن قرار دارند.

مسئله افزایش نرخ بیابانی شدن و بیابانی‌ها در ایران موضوع تازه‌ای نیست و پیش از این هم کارشناسان بارها در بارش هشدار داده‌اند. با این همه، در این سال‌ها، مقام‌های مسئول هم به جای ارائه برنامه‌های کارشناسی برای مقابله با این وضعیت، همپای دیگران به هشدار درباره رخدادی بسنده کرده‌اند که می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری برای کشور در پی داشته باشد.

در آینده جنگلی باقی نمی‌ماند روند بیابانی شدن در ایران منحصر به مناطق خشک کشور نیست و سرعت این روند تحت تأثیر سیاست‌های مخرب در بخش منابع طبیعی به حدی است که استان‌های مرطوب شمالی کشور را هم تهدید می‌کند.

هادی کیادلیری، استاد دانشگاه و رئیس انجمن جنگلبانی ایران، چهار سال پیش در گفت‌وگو با ایرنا، بر داشت چوب‌بیش از توان تولید، بروز بیماری‌ها و آفات، ایجاد واحدهای صنعتی و معدنی و همچنین عقب‌ماندگی از تغییرات اقلیم جغرافیایی را از علت‌های اساسی بیابانی‌زایی و در نهایت، نابودی جنگل‌های شمال معرفی کرد.

به گفته کیادلیری، آمارهای منابع رسمی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۸۶، هر سال به طور

سازمان حفاظت محیط‌زیست، می‌گوید سالانه بین ۵۰ تا ۶۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس خشک می‌شوند، اما این وضعیت در مراتع، دشت‌ها و مناطق خشک‌تر به مراتب وخیم‌تر است.

دشت‌های مرکزی

با سرعت بیابانی می‌شوند

در حالی که به‌طور طبیعی بخش مهمی از ایران را اکوسیستم‌های بیابانی خشک تشکیل می‌دهد، عرصه‌های مختلف طبیعی ایران، از جمله دشت‌ها و مراتع و درخت‌زارها، با کاهش کارایی و درجاتی از بیابانی شدن مواجه‌اند.

از مرگبارترین مراحل بیابانی‌زایی تبدیل دشت‌ها به بیابان‌هایی است که در آن مطلقاً هیچ رستی‌ای وجود ندارد و خاک پایدار به تدریج به تپه‌های ماسه‌ای و تل‌های خاک ناپایدار تبدیل خواهد شد. این اتفاق در دشت‌های مرکزی ایران به سرعت و تحت تأثیر مدیریت نامناسب آب و سدسازی در حال رخ دادن است.

دو سال پیش، سید محمدتقی سجادی، مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری قم، با اشاره به این که ۱۰۵ هزار هکتار از اراضی بیابانی این استان جزو کانون‌های اصلی تولید ریزگرد است، گفته بود: «سدهای احداث شده در مسیر رودخانه‌های منتهی به دشت مسیله قم، مانع ورود آب به این کانون بحران و کنترل ریزگردها شده است.» این اتفاق، که در نتیجه دخالت مستقیم انسان و کاهش رطوبت خاک رخ می‌دهد، منحصر به این منطقه نیست و علاوه بر ریزگردها، عوارض بسیار دیگری دارد.

جنگل‌ها دیگر توان ترمیم ندارند برخی کارشناسان، از سال ۸۹ از مرگ گونه‌های گیاهی در جنگل‌های هیرکانی و زاگرس خبر داده بودند، اما به گفته آن‌ها آنچه اکنون رخ داده است مرگ دسته‌جمعی یا به بیانی دیگر «مرگ اکوسیستم» است؛ اتفاقی که عوامل متعددی در بروز آن دخیل بوده و فاکتورهایی همچون تغییر اقلیم و خشک‌سالی هم بر آن افزوده است. به عنوان مثال بخشی از جنگل‌های هیرکانی را تغییر کاربری اراضی، ویلاسازی و بهره‌برداری



آمارهای منابع رسمی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۸۶، هر سال به طور

دیگر رانندگان بتوانند با مدیریت بسر رفتار از بروز درگیری‌ها و ضرب و جرح‌های احتمالی جلوگیری کنند. برای مثال هم اکنون در هر ساعت تقریباً دو نفر بر اثر تصادف در کشور فوت می‌کنند. این مقوله با خسارت‌های انسانی فراوان همراه است. اگر چه در گذشته تعداد فوت‌شدگان بر اثر رانندگی در کشور ۳۲ هزار نفر در سال بود، اما هم‌اکنون این آمار به ۱۷ هزار نفر کاهش یافته است. هر چند معلولیت‌ها همچنان ادامه دارد. هم اکنون یک سوم افراد تحت حمایت سازمان‌های حمایتگر به دلیل معلولیت بر اثر تصادفات با عضویت این سازمان‌ها درآمده‌اند. در برخی مواقع نیز افراد در تصادفات چهار برابر میزان فوتی‌ها، مصدوم می‌شوند. تاکنون این مقوله از سوی مردم چندان مورد توجه قرار نگرفته است. شایان ذکر است که بخش قابل توجهی از بروز این حوادث استرس‌ها و فشارهای روانی است که مردم در طول روز با آن مواجه هستند، چون آن‌ها مدیریت خشم و مهارت مقابله با استرس را ندارند. برای مثال در مراسم عروسی افراد به دلیل ناتوانی در مدیریت هیجان و استرس با ایجاد کار ناوال هادر افزایش حوادث رانندگی سپیم هستند. اگر افراد بتوانند به شکل مناسب با هیجان‌های خود مقابله کنند، بی‌شک میزان تصادفات نیز کاهش می‌یابد. باید دانست که مهم‌ترین مسئله در ارتقای فرهنگ رانندگی در کشور آموزش است.

مجازات جایگزین، نیازمند بستری قانونی است

سید حسن موسوی جلیک، رئیس انجمن مددکاران ایران

امروزه در کشورهای پیشرفته اعمال مجازات ناشی از تخلفات رانندگی منجر به محرومیت‌های اجتماعی می‌شود. در این شرایط افراد با محرومیت از حقوق اجتماعی متناسب با جرایم و تخلفاتشان مورد تنبیه قرار می‌گیرند. در برخی مواقع نیز آثار تنبیهی و اصلاحی این گونه مجازات حتی از مجازات حبس هم بازدارنده‌تر است. برای افزایش مجازات جایگزین نیازمند فرهنگ‌سازی در جامعه هستیم. در این میان تاکنون نه اجراکنندگان قانون و نه مردم مسئله مجازات جایگزین را نپذیرفته‌اند. برای مثال در مقوله مجازات جایگزین بر اساس حکم قاضی، فرد خاطی باید به ارائه خدمات اجتماعی، جمع‌آوری زباله، ارائه خدمات به نهادهای مردمی و... بپردازد. در این شرایط فرد خاطی بر اساس مجازات تعیین شده از سوی قاضی باید به ارائه خدمات بپردازد. در برخی مواقع نیز از رانندگی افراد خاطی در برخی محافل ممانعت می‌شود. بی‌شک این نوع محرومیت‌ها می‌تواند بازدارنده‌تر از پرداخت

جرای نقدی یا حبس باشد. همچنین می‌توان افراد خاطی را به ارائه خدمات اجتماعی و خدمات محیط‌زیستی محکوم کرد. این مسئله مستلزم پذیرش مجازات جایگزین توسط قانون‌گذار و بسترسازی فرهنگی است. برای مثال اگر به فرد مجرم در رانندگی ۱۰ سال گواهینامه ارائه نشود و فرد به این شکل اجازه رانندگی نداشته باشد، طبیعتاً دیگر افراد نیز با مشاهده او متنبه شده و در رانندگی اصول و قواعد را رعایت می‌کنند. از دیگر مسائلی که می‌تواند در زمینه ارتقای فرهنگ رانندگی در کشور مؤثر باشد، ایجاد بستر آموزش و فرهنگ‌سازی است. همچنین مداومت در اجرای این نوع محرومیت‌ها به ویژه در جرائم رانندگی می‌تواند منجر به اصلاح و تنبیه افراد خاطی شود. در برخی مواقع مجازات جایگزین شامل یک رفتار اجتماعی می‌شود. برای مثال فرد یک نوشته به لباسش با این مضمون که بنده به دلیل ارتکاب به فلان جرم محکوم به ارائه خدمات اجتماعی هستم، چسبانده و در خیابان ترده می‌کند. با بررسی اعمال جایگزین در کشورهای پیشرفته باید گفت که این گونه محرومیت‌ها در آن کشور افزایش یافته